

نقش سازمان‌های فرهنگی در تأمین صلح جهانی

مطالعه موردی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

عنایت‌الله یزدانی*

محبوبه فرهنگ**

چکیده

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در سال ۱۳۷۴ به منظور ایجاد تمرکز و هماهنگی در فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور تشکیل شد. اهداف این سازمان را می‌توان گسترش فرهنگ اسلامی - ایرانی در سطح جهان و توسعه مناسبات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها بیان کرد. از سوی دیگر، امروزه شاهد بروز خشونت‌ها، منازعات، و جنگ‌های متعدد از جمله منازعات فرقه‌ای - مذهبی در نظام بین‌الملل هستیم. برخی معتقدند که با تأکید بر نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل و توسعه ارتباطات فرهنگی بین‌المللی می‌توان به مهار خشونت‌ها و منازعات نایل آمد. از همین رو، نقش سازمان‌هایی هم‌چون سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، که ماهیت اهداف و وظایف آن‌ها را فعالیت‌های فرهنگی تشکیل می‌دهد، در رفع زمینه‌های خشونت و منازعه، به ویژه منازعات فرقه‌ای - مذهبی در خاورمیانه برجسته می‌شود. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که نقش سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در تأمین صلح و امنیت چیست؟ بررسی‌ها حاکی از آن است که این سازمان می‌تواند کارکردهایی مانند فعالیت در زمینه گفت‌وگوی ادیان، گفت‌وگوی تمدن‌ها، و تقریب مذاهب اسلامی داشته باشد. مبنای نظری مقاله بر اساس آرای جی. ام. مایکل و کنفرانس جهانی سیاست‌های فرهنگی

* دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان،

yazden2013@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان،

Farhang.mahboobeh68@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۳۰

یونسکو (۱۹۸۲) است. روش تحقیق مقاله توصیفی - تحلیلی است و اطلاعات به روش کتاب‌خانه‌ای گردآوری شده است.

کلیدواژه‌ها: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، روابط فرهنگی بین‌المللی، صلح و ثبات.

۱. مقدمه

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ تحولات روابط بین‌الملل ارزیابی کرد؛ زیرا متعاقب آن فرهنگ و عوامل فرهنگی، که تا پیش از این نقش کم‌رنگی در عرصه روابط بین‌الملل داشت، با اقبال نظریه‌های روابط بین‌الملل و اندیشمندان گوناگون مواجه شد. نظریه‌هایی مانند سازه‌انگاری و پست‌مدرنیسم برای آن در تحلیل و تبیین موضوعات و مسائل بین‌المللی جایگاه محوری و مبنایی قائل شدند و اندیشمندان گوناگون طیفی از نظریه‌ها را ارائه دادند که وجه مشترک همه آن‌ها توجه به عامل فرهنگ و تأثیرگذاری آن در روابط بین‌الملل بود. علاوه بر این، از اهمیت بعد نظامی امنیت کاسته شد و بسیاری از مسائل بهداشتی، زیست‌محیطی، اقتصادی، رفاهی، تکنولوژیک، فرهنگی، و اجتماعی به‌منزله عوامل مؤثر در حفظ صلح و امنیت جهانی مورد توجه قرار گرفتند. از سوی دیگر، افزایش روزافزون اهمیت و توجه به قدرت نرم بستری را فراهم کرده است تا کشورها بر مفاهیم و ابزارهایی مانند ارتباطات فرهنگی، دیپلماسی عمومی، و دیپلماسی فرهنگی تأکید کنند و آن‌ها را در استراتژی سیاست خارجی خود به کار گیرند. اعتقاد بر این است که با افزایش ارتباطات فرهنگی رسمی بین دولت‌ها، ضمن تقویت نگرش مثبت آن‌ها نسبت به یک‌دیگر، از میزان خشونت و توسل به زور در روابط بین آن‌ها کاسته می‌شود. به همین منظور، دولت‌ها سازمان‌ها و نهادهای خاصی را برای سامان دادن به فعالیت‌های فرهنگی خود در خارج از مرزهایشان تشکیل داده‌اند. در جمهوری اسلامی ایران این وظیفه بر عهده سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی گذاشته شده است. بنابراین، سؤال اصلی مقاله حاضر این است که سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی چه کارکردهایی در تأمین صلح و امنیت می‌تواند داشته باشد؟ در این زمینه از آرای جی. ام. مایکل (J. M. Mitchel) درباره روابط فرهنگی بین‌المللی و کنفرانس جهانی سیاست‌های فرهنگی یونسکو (۱۹۸۲) بهره گرفته می‌شود و مبحثی نیز به نقش سازمان یونسکو در تأمین صلح و امنیت جهانی اختصاص می‌یابد که شاخص‌ترین سازمان فرهنگی بین‌المللی محسوب می‌شود.

۲. آرای جی. ام. مایکل

گروهی از دانشمندان و نویسندگان روابط بین‌الملل ضمن پذیرش عوامل مؤثر و عمده سیاسی و اقتصادی، توجهی ویژه به موضوع فرهنگ دارند و این بعد زندگی اجتماعی انسان را در عرصه بین‌المللی نیز مطالعه می‌کنند. آن‌ها کارکردهایی مشخص برای فرهنگ تشخیص می‌دهند و سعی می‌کنند تا با توضیح این کارکردها نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل را نشان دهند. نمونه‌ای درخور تأمل در این گروه نظریه‌های جی. ام. مایکل، متفکر و نویسنده انگلیسی، است که در روابط فرهنگی بین‌المللی به تبیین این دیدگاه و نشان دادن نقش پراهمیت فرهنگ در روابط بین‌الملل می‌پردازد. از دیدگاه او امور فرهنگی می‌توانند به‌مثابه بعد سوم روابط بین‌الملل مورد توجه قرار گیرند. او کاربردها و فوایدی را برای فرهنگ ذکر می‌کند:

- روابط فرهنگی به‌منزله ابزاری برای صلح: روابط فرهنگی امکان مفاهمه بین ملت‌ها را فراهم می‌آورد و زمینه را برای جلوگیری از جنگ فراهم می‌کند. «فرهنگ صلح» با گسترش فعالیت‌های فرهنگی به‌دست می‌آید و این نکته‌ای است که سیاست‌مداران متعددی به آن اشاره کرده‌اند و اسناد بین‌المللی مهمی درباره آن منتشر شده است.

- روابط فرهنگی به‌منزله حمایت از دیپلماسی متداول: روابط فرهنگی زمینه‌ساز و حامی روابط رسمی بین دولت‌هاست. زبان فرهنگ زبان ملایمی است که می‌تواند روابط رسمی را همراه با تفاهم زنده نگه دارد. اگر روابط بین کشورها به عرصه‌های فرهنگی کشیده شود، نه فقط در سطح رسمی باقی می‌ماند، بلکه پیوندهای گسترده‌تری را بین ملت‌ها برقرار می‌کند.

- روابط فرهنگی به‌منزله وسیله‌ای برای ادراک و مفاهمه بین‌المللی: روابط فرهنگی این امکان را فراهم می‌کند که ملت‌های گوناگون بیش‌تر یک‌دیگر را درک کنند و نه فقط از اندیشه‌ها و داشته‌های یک‌دیگر بهره گیرند، بلکه با درک متقابل یک‌دیگر امکان همکاری بین‌المللی و پیش‌گیری از منازعه را پدید آورند.

- روابط فرهنگی به‌مثابه تسهیل‌کننده تجارت: تاریخ نشان می‌دهد که گسترش تجارت همواره با زمینه‌سازی فرهنگی و گسترش روابط فرهنگی همراه بوده است. بنابراین، اگر روابط فرهنگی زمینه‌ها، علایق، و گرایش‌های فکری لازم را آماده کند، تجارت به گونه‌ی پررونق‌تر و گسترده‌تری تحقق خواهد یافت (سلیمی، ۱۳۷۹: ۶۶-۷۰).

جی. ام. مایکل سپس به بیان اصلی‌ترین عرصه‌ها و تجلیات روابط فرهنگی بین‌المللی (ابزارها و زمینه‌ها) می‌پردازد:

- اطلاعات و کتاب: ارسال انبوه کتاب‌های ارزان و قابل استفاده و ارائه گسترده اطلاعات می‌تواند اندیشه‌ها، مفاهیم، و دانسته‌های یک جامعه را به دیگری انتقال دهد و روابط فرهنگی را تحقق بخشد.

- مبادله افراد: مهاجرت کارگران و رفت و آمد دانشجویان، استادان، و متخصصان و نیز گسترش توریسم موجب تماس بیش‌تر افراد جوامع با یک‌دیگر و تأثیرپذیری فرهنگی آن‌ها از یک‌دیگر است.

- زبان و آموزش زبان: گسترش زبان یک ملت به معنی تأثیرگذاری فرهنگی آن و اوج‌گیری روابط فرهنگی است.

- هنرها: برای سیاست‌مداران، دیپلمات‌ها، و روزنامه‌نگاران هنر اصلی‌ترین تجلی حیات فرهنگی یک ملت است. مشخصات فرهنگی یک کشور را می‌توان در هنرهای آن جست و هم‌چنین میزان رابطه فرهنگی دو کشور را با بررسی نحوه ارائه هنرهای آنان به یک‌دیگر سنجید. واردات محصولات هنری برای بسیاری از کشورها از مهم‌ترین مسائل خارجی آن‌هاست و بدین سبب مؤسسات صادرکننده این محصولات نقش مهمی در روابط خارجی ملت‌ها دارند.

- فعالیت‌های علمی - آموزشی: حضور استادان، دانشجویان، و دانشمندان کشورهای گوناگون در مجامع علمی کشورهای دیگر موجب تماس و ارتباط بین نخبگان حال و آینده آن‌ها شده و در نهایت در قالب روابط فرهنگی بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

- رسانه‌های جهانی و تکنولوژی جدید ارتباطات: پیدایش ماهواره‌ها و شبکه‌های رادیو - تلویزیونی جدید امکان مبادله فرهنگی گسترده‌ای را فراهم می‌آورد. تأثیر گسترده این رسانه‌ها بر فرهنگ‌های گوناگون و شکل دادن به ذهنیت‌های موجود در سرزمین‌های گوناگون به حدی است که می‌تواند به‌منزله عامل مستقل و مهمی در عرصه مناسبات بین‌المللی رخ نماید (سلیمی، ۱۳۷۹: ۶۶-۷۰).

۳. کنفرانس جهانی سیاست‌های فرهنگی یونسکو

کنفرانس جهانی سیاست‌های فرهنگی در ۱۹۸۲ از سوی یونسکو برای گسترش تفاهم و روابط فرهنگی بین ملت‌ها در مکزیکوسیتی برگزار شد. با این هدف که این روابط می‌تواند بزرگ‌ترین زمینه را برای صلح و توسعه در جهان امروز پدید آورد. نمایندگان شرکت‌کننده در این کنفرانس به روابط فرهنگی بین ملت‌ها به‌منزله عاملی زمینه‌ساز برای تحقق صلح و

ايجاد تفاهم و هم‌فكري بين‌المللي مي‌نگرند. از اين ديده‌گاه فرهنگ، آموزش، و گفت‌وگوي بين‌ملت‌ها عامل کاهش اختلاف‌ها، نابرابري‌ها، و تنازعات خواهد بود. در ماده چهار اعلاميه مکزیکوسیتی آمده است:

تمامي فرهنگ‌ها بخشي از ميراث مشترک بشري‌اند. هويت فرهنگي يک ملت از طريق برخورد تفاهم‌آمیز با سنت‌ها و ارزش‌های ديگران است که تجديد بنا شده و غني مي‌گردد. فرهنگ يک ديالوگ (گفت‌وگو) است. تبادل ايده، اندیشه‌ها، و تجربه‌ها و احترام به ارزش‌ها و سنت‌های ديگران.

همان‌طور که از اين بيان پيداست، ملت‌های شرکت‌کننده در کنفرانس مکزیکوسیتی هويت فرهنگي را عامل رويارويي و جداسازي ملت‌ها نمي‌دانند، بلکه آن را نتيجه گفت‌وگو و احترام بين ملت‌ها مي‌شمرند. البته از ديده‌گاه آنان صلح و هماهنگي فرهنگي مستلزم تبعيت از فرهنگ برتر و سرآمد نيست. در ماده پنج اعلاميه آمده است:

امر جهاني نمي‌تواند بر اساس برداشتي از يک فرهنگ واحد بنا شود. اين امر از تجربيات تمامي مردمان جهان که از هويت‌های آن‌ها بنا شده نشئت مي‌گيرد. هويت فرهنگي و چندگونگي فرهنگي از هم جدا نيستند و ضد هم نيستند.

بنابراين، فرض بر اين است که با مشارکت و تعامل تمامي فرهنگ‌ها و تفاهم آن‌ها مي‌توان امکان به وجود آوردن «امر جهاني» را فراهم کرد و اگر چيزي با عنوان فرهنگ جهاني در حال شکل‌گيري باشد، متناقض وجود هويت‌های متفاوت فرهنگي نخواهد بود، بلکه در اصل تعامل بين آن‌هاست که فرهنگ جهاني شکل مي‌گيرد. در اين اعلاميه به ابعاد فرهنگي توسعه توجه شده و با تأکيد بر لزوم فعاليت گسترده و توجه به مسائل زمان بر لزوم توسعه علم، تکنولوژي، ارتباطات، و آموزش و پرورش توجه شده است. با گسترش روابط فرهنگي، علمي، و آموزشي امکان تحقق توسعه فراگير و مفاهيمه بين ملت‌ها پديد مي‌آيد. هم‌چنين در فصل جداگانه‌اي در اين اعلاميه به توليدات هنري و لزوم مبادله آثار هنري به‌منظور رشد فرهنگي و گسترش مبادلات فرهنگي تأکيد و توجه بسياري شده است. طبق ديده‌گاه اين اعلاميه، اگر ملت‌ها مبادلات فرهنگي خود را در عرصه‌های گوناگون افزايش دهند، زمينه تفاهم و همکاري بين آن‌ها و کاهش منازعات بين‌المللي فراهم مي‌شود. در اين محيط امکان تحقق صلح و امنيت بين‌المللي فراهم خواهد شد. اگر اين مناسبات باعث شود که ملت‌ها به ارزش‌ها و فرهنگ‌های يک‌ديگر احترام بگذارند، آن‌گاه زمينه برخورد‌ها و تنش‌های بين‌المللي از بين خواهد رفت. در آخرين بند اعلاميه مکزیکوسیتی آمده است:

جامعه بین‌المللی که در این کنفرانس گرد آمده است این گفته بنیتو خوارز (Benito Juarez) را تأیید می‌کند که: در روابط بین افراد و ملت‌ها صلح به معنی احترام به حقوق دیگران است.

احترام به حقوق دیگران فقط از راه گسترش مناسبات فرهنگی و تفاهم بین ملت‌های گوناگون شکل می‌گیرد. تبادل آثار هنری، دستاوردهای علمی، ارتباطات رسانه‌ای، و مبادلات آموزشی چهره‌های بارز مناسبات فرهنگی‌اند که در نهایت به صلح و ثبات و امنیت جهانی و نیز توسعه فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی ملت‌های گوناگون منجر خواهد شد. به این ترتیب، روابط فرهنگی در خدمت برقراری صلح و ثبات و توسعه جهانی قرار می‌گیرند (سلیمی، ۱۳۷۹: ۸۵-۸۸).

اگر بخواهیم به مهم‌ترین نقاط اشتراک نظریات جی. ام. مایکل و مفاد اعلامیه مکزیکوسیتی بپردازیم، باید بگوییم هر دو روابط فرهنگی بین‌المللی را راه‌کاری برای تأمین صلح و ثبات جهانی می‌دانند. طبق این دیدگاه، از آن‌جا که فرهنگ در اندیشه‌ها، آداب و رسوم، سنت‌ها و باورهای جوامع ریشه دارد و عامل شناخت آن‌ها به شمار می‌رود، گسترش ارتباطات فرهنگی زمینه شناخت و دوستی بین ملت‌ها را فراهم کرده و به آن‌ها کمک می‌کند تا بر سوء تفاهم‌ها و تنش‌ها در روابط بین خود فائق آیند. علاوه بر این، هر دو با بیان عرصه‌ها و زمینه‌های روابط فرهنگی بین‌المللی به مواردی هم‌چون تبادل محصولات هنری، مبادلات علمی - آموزشی و بهره‌گیری از رسانه‌ها و تکنولوژی ارتباطی اشاره می‌کنند.

۴. نقش سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی در تأمین صلح و امنیت جهانی (مطالعه موردی: سازمان یونسکو)

جنگ جهانی دوم بزرگ‌ترین و خون‌بارترین جنگ عمومی در تاریخ بشریت محسوب می‌شود که دامنه آن به پنج قاره کشیده شد و همه جهانیان را به نوعی تحت تأثیر قرار داد. ویرانی‌ها و خسارت‌های عظیم ناشی از آن همگان را به فکر چاره انداخت تا با اندیشیدن تدبیری از وقوع جنگ‌ها و حوادث این‌چنینی جلوگیری کنند. حاصل این چاره‌اندیشی تأسیس سازمان ملل متحد (United Nations Organization) بود که اهداف اصلی آن را حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، توسعه روابط دوستانه بین ملت‌ها بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق آن‌ها، همکاری بین‌المللی برای حل مسائل بین‌المللی، و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از

حيث نژاد، جنس، زبان، و مذهب تشكيل مي‌داد (آقايي، ۱۳۸۹: ۹۰). اين سازمان اهداف خود را با کمک سازمان‌هاي تخصصي وابسته به خود هم‌چون يونسکو پيگيري مي‌کند. سازمان آموزشي، علمي، و فرهنگي يونسکو (United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization) در ۱۹۴۶ تشكيل شد و مقر آن در پاریس است. سلف سازمان يونسکو مؤسسه بين‌المللي همکاري‌هاي فرهنگي بود که فرانسه آن را در ۱۹۲۵ تاسيس کرد و در اختيار جامعه ملل قرار داد. در ۱۹۴۶ در کنفرانس لندن ۴۴ کشور، به منظور دفاع از صلح، سازمان يونسکو را تاسيس کردند. در دسامبر همان سال هماهنگي خاصي بين يونسکو و سازمان ملل متحد انجام شد و به همين سبب در جرگه سازمان‌هاي تخصصي سازمان ملل متحد درآمد (آقايي، ۱۳۸۹: ۱۶۳) تاسيس سازمان يونسکو با اين باور صورت گرفت که توافقات سياسي و اقتصادي براي ايجاد صلح پايدار کافي نيست، صلح بايد بر مبناي اخلاق انساني، هم‌بستگي، و انسجام فکري برقرار شود. اين باور در انطباق با اساسنامه يونسکو قرار دارد که اظهار مي‌دارد: «از آنجايي که جنگ‌ها در ذهن انسان‌ها آغاز مي‌شود، پس انسان‌ها ابتدا بايد در ذهن خويش از صلح دفاع کنند» و در ادامه تاکيد مي‌کند: «صلحي که منحصرأ بر مبناي توافقات سياسي و اقتصادي حکومت‌ها ايجاد شود نمي‌تواند به صورت پايدار و خالصانه از جهانيان حمايت کند؛ صلحي موفقيت‌آمیز خواهد بود که بر اساس هم‌بستگي و انسجام فکري و اخلاقي نوع بشر بنا شود». تلاش يونسکو تشكيل شبکه‌اي ميان ملت‌هاست که بتواند هم‌بستگي و انسجام مورد نظر را بين آن‌ها به وجود آورد و اين کار را به چهار طريق انجام مي‌دهد:

۱. تجهيز منابع و امکانات آموزشي: به گونه‌اي که همه کودکان، پسران، و دختران به آموزش، که از حقوق اساسي انسان‌ها و شرط لازم براي توسعه و پيشرفت محسوب مي‌شود، دسترسي داشته باشند؛
۲. ايجاد درک و تفاهم بين فرهنگي: از طريق حفظ ميراث فرهنگي و حمايت از تنوع فرهنگي صورت مي‌گيرد. يونسکو ايده ميراث جهاني را براي حفاظت از اماکن دربردارنده مواريت فرهنگي مطرح کرد؛
۳. همکاري‌هاي علمي براي استحکام روابط بين ملت‌ها و جوامع: مانند سامانه هشدار اوليه سونامي يا توافقاتي مربوط به مديريت منابع آب فرامرزي؛
۴. حمايت از آزادي بيان که شرط اساسي دموکراسي، توسعه، و حفظ شأن و منزلت انسان محسوب مي‌شود (en.unesco.org).

یکی از مهم‌ترین اقدامات یونسکو در زمینه تأمین صلح و امنیت جهانی تقویت و گسترش فرهنگ صلح بوده است. ایده «فرهنگ صلح» (Culture of Peace) نخستین بار در کنگره بین‌المللی صلح در ذهن انسان‌ها (یاموسوکرو، ۱۹۸۹) مطرح شد. کنگره در اعلامیه پایانی خود پیش‌نهاد کرد که یونسکو «به ایجاد تصویری جدید از صلح از طریق بسط و گسترش فرهنگ صلح مبتنی بر ارزش‌های جهانی هم‌چون احترام به زندگی، آزادی، عدالت، همکاری، همبستگی، مدارا، حقوق بشر، و برابری مردان و زنان کمک کند». طرح ایده مزبور متأثر از فضای بین‌المللی (فروپاشی دیوار برلین و پایان تنش‌های دوره جنگ سرد) بود. در تعریف آن می‌توان گفت فرهنگ صلح مجموعه‌ای از ارزش‌ها، گرایش‌ها، شیوه‌های رفتاری، و سبک‌های زندگی است که خشونت را نمی‌پذیرد و با به چالش کشیدن ریشه‌های خشونت از آن ممانعت به عمل می‌آورد تا بتوان مشکلات را از طریق گفت‌وگو و مذاکره بین افراد، گروه‌ها، و ملت‌ها حل کرد. در ۱۹۹۲ کمیته اجرایی یونسکو تقاضای تدوین برنامه‌ای مشخص برای فرهنگ صلح به منظور کمک به تلاش‌های سازمان ملل در زمینه حفظ صلح را مطرح کرد و خدمات خود را در قالب برقراری صلح پس از رفع مناقشات تعریف کرد. به همین منظور، در کشورهای هم‌چون السالوادور، موزامبیک، برونودی، و فیلیپین برنامه‌های ملی تدوین و اجرا شد. در ۱۹۹۴ نخستین انجمن بین‌المللی فرهنگ صلح در سان‌سالوادور (السالوادور) آغاز به کار کرد. در سال بعد، در بیست و هشتمین کنفرانس عمومی یونسکو طرحی فرارشته‌ای با نام «به سوی فرهنگ صلح» (Towards a Culture of Peace) به‌منزله راه‌برد میان‌مدت این سازمان برای سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ معرفی و مطرح شد. طبق این طرح سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن‌ها، جوانان، بزرگ‌سالان، و رهبران مذهبی برای پرورش و ارتقای فرهنگ صلح، عدم خشونت و مدارا در جهان تلاش می‌کنند. در ۱۹۹۷، با توجه به تجربه یونسکو در زمینه فرهنگ صلح، مجمع عمومی ملل متحد دستور کاری برای آن تصویب کرد و به توصیه شورای اقتصادی و اجتماعی سال ۲۰۰۰ را به‌عنوان «سال بین‌المللی فرهنگ صلح» اعلام کرد. مجمع هم‌چنین در ۱۹۹۸، در پنجاه و سومین نشست خود، دهه ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ را دهه بین‌المللی فرهنگ صلح و عدم خشونت برای کودکان جهان (International Decade for a Culture of Peace and Non-Violence for the Children of the World) اعلام کرد که مبتنی بر طرح پیش‌نهادی تهیه‌شده از سوی برندگان جایزه صلح نوبل بود. در نوامبر همین سال کمیته اجرایی یونسکو نیز در پنجاه و پنجمین نشست خود در تاشکند ازبکستان اعلامیه تاشکند درباره فرهنگ صلح و اقدام یونسکو را تصویب کرد.

در ۱۹۹۹ مجمع عمومي سازمان ملل اعلاميه و برنامه عمل فرهنگ صلح حاوي هشت عرصه عملياتي را تصويب كرد. اين عرصه‌ها عبارت‌اند از ۱. آموزش، ۲. توسعه اقتصادي و اجتماعي، ۳. احترام به حقوق بشر، ۴. برابري زنان و مردان، ۵. مشاركت دموكراتيک، ۶. تفاهم، مدارا، و انسجام، ۷. ارتباطات مشاركتي و جريان آزاد اطلاعات و دانش، و ۸. صلح و امنيت بين‌المللي (Adams, 2000: 260-261).

علاوه بر اين، يونسكو با ايجاد و تاسيس نهادها و همكاري با كشورها و گروه‌هاي گوناگون به رشد و گسترش ارتباطات علمي، فرهنگي، و آموزشي در عرصه بين‌المللي كمك شاياني کرده است؛ چنان‌که ۱۸۵ کشور جهان در اين سازمان عضويت دارند و از طريق کميسيون‌هاي ملي خود با سازمان در ارتباط‌اند. تعداد بسياري از سازمان‌هاي مردم‌نهاد، شرکت‌ها، و سازمان‌هاي تجاري نيز با يونسكو روابط رسمي و همكاري دارند. علاوه بر اين‌ها، مدارس وابسته به يونسكو در کشورهای عضو در زمينه پرورش نگرش بردبارانه و تفاهم‌آمیز در دانش‌آموزان تلاش می‌کنند. هم‌چنين گروهی ۴۰ نفره مرکب از شخصيت‌هاي عالي‌رتبه با عنوان «سفرای حسن‌نيت يونسكو» برای جلب توجه جهانيان به اهداف و مأموريت‌هاي اين سازمان اقداماتي انجام می‌دهند. از سوی ديگر، يونسكو تلاش‌هاي مؤثري در شناساندن فرهنگ كشورها به يك‌ديگر و ايجاد محيط و فضاي مناسب برای گفت‌وگو و تعامل اقشار گوناگون كشورها با يك‌ديگر انجام داده که خود حركتي مهم در گسترش صلح و امنيت جهاني است. در واقع، در پرتو اين تلاش‌ها، افراد با هم زيستن را ياد می‌گیرند که آن‌ها را برای همكاري با ديگران در تمامی امور انساني آماده می‌کند (کریمی، ۱۳۹۰: ۲۷۳-۲۷۴). از آن‌جا که يونسكو مهم‌ترين رسالت و وظیفه خود را پي‌ريزي و نهادينه کردن تفکر صلح در ذهن انسان‌ها می‌داند، می‌توان عمده‌ترين نقش اين سازمان در زمينه تأمین صلح و امنيت بين‌المللي را فعاليت‌هاي زیربنایی و درازمدت تلقی کرد.

۵. معرفي سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامي

پيش از تشكيل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامي، در حدود ۱۲ سازمان و نهاد گوناگون در خارج از کشور به فعاليت‌هاي فرهنگي مشغول بودند که سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامي برای تمرکز بخشیدن به امور تبليغات در خارج از کشور در قالب سازماني واحد، در اواخر سال ۱۳۷۴، پس از طی مراحل قانوني و تأييد اساس‌نامه آن از سوی مقام معظم رهبري، رسماً تشكيل شد و از ابتدای سال ۱۳۷۵، بودجه و اعتبارات لازم در اختيار اين

سازمان قرار گرفت و مقرر شد بخش‌های فرهنگی وزارت‌خانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی و امور خارجه و هم‌چنین مجمع جهانی اهل بیت (ع) و تقریب مذاهب اسلامی با کلیه امکانات مالی، پرسنلی، و تجهیزاتی به این سازمان واگذار شوند (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۸). بر اساس ماده ۲ اساس‌نامه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، اهداف این سازمان به شرح ذیل بیان شده است:

۱. احیا و گسترش تفکر و معارف اسلامی در جهان به‌منظور بیداری مسلمانان و ابلاغ پیام اسلام راستین به جهانیان؛
 ۲. آگاهی جهانیان به مبانی، اهداف، و مواضع انقلاب اسلامی و تبیین جایگاه آن برای مردم جهان؛
 ۳. گسترش مناسبات فرهنگی با ملل و اقوام گوناگون به‌خصوص مسلمانان و مستضعفان جهان؛
 ۴. تقویت و تنظیم مناسبات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها و سازمان‌های فرهنگی؛
 ۵. عرضه صحیح فرهنگ و تمدن ایران و ویژگی‌های فرهنگی، جغرافیایی، و تاریخی آن؛
 ۶. فراهم آمدن زمینه‌های وحدت بین مسلمانان و تشکیل جبهه واحد بر اساس اصول مسلم اسلامی؛
 ۷. مقابله فکری با فرهنگ ضد دینی، ضد اسلامی، و ضد انقلابی و آگاه کردن مسلمانان نسبت به توطئه‌های تفرقه‌انگیز دشمنان و دفاع از حقوق مسلمانان؛
 ۸. رشد، ارتقا، و اصلاح وضع فرهنگی، تبلیغی، سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی مسلمانان به‌ویژه پیروان اهل بیت (ع) در جهان (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۳۲۷-۳۲۸).
- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی از بخش‌های معاونت بین‌الملل، معاونت فرهنگی، معاونت پژوهشی و آموزشی، و معاونت اداری و مالی تشکیل شده است؛ معاونت بین‌الملل عهده‌دار هدایت و هماهنگی فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور است و در قالب پنج اداره کل فعالیت می‌کند که در چهارچوب نمایندگی‌ها و رایزنی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور پیگیری می‌شود. ادارات کل همکاری‌های فرهنگی و هنری، امور فرهنگی ایرانیان خارج از کشور، امور زنان و خانواده، مؤسسه انتشارات بین‌المللی «الهدی»، و بنیاد اندیشه اسلامی به منزله زیرمجموعه‌های معاونت فرهنگی فعالیت می‌کنند. مرکز مطالعات فرهنگی و بین‌المللی، مرکز گفت‌وگوی ادیان، مرکز آموزش و توسعه

همکاری‌های علمی دانشگاهی، مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی، مرکز ساماندهی ترجمه و نشر معارف اسلامی و علوم انسانی در خارج از کشور، کتابخانه مرکزی، و آرشیو اسناد زیرمجموعه معاونت پژوهشی و آموزشی‌اند. معاونت اداری و مالی متشکل از ادارات کل امور مالی، امور اداری، پشتیبانی و تشریفات، دبیرخانه و اسناد، فناوری اطلاعات، و مرکز طرح و برنامه و نظارت راهبردی است (www.icro.ir). بر اساس ماده ده اساس‌نامه، سازمان شورای عالی مرکب از یازده نفر است که با حکم مقام معظم رهبری منصوب می‌شوند: سه نفر از شخصیت‌های علمی و فرهنگی به انتخاب رهبری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (رئیس شورا)، وزیر امور خارجه، رئیس سازمان صدا و سیما، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (ع)، دبیر کل تقریب مذاهب اسلامی، معاون بین‌الملل دفتر رهبری و رئیس سازمان. رئیس این سازمان بر اساس رأی اکثریت شورای عالی انتخاب و با تأیید رهبر انقلاب و حکم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (رئیس شورا) منصوب می‌شود. بررسی و تبیین سیاست‌ها و راهبردهای کلی حاکم بر امور و فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی خارج از کشور، بررسی و تصویب طرح‌ها و برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت و نظارت بر حسن اجرای سیاست‌ها، عملکرد، و فعالیت‌های این سازمان از مهم‌ترین اختیارات و وظایف شورای عالی است (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۳۳۰).

۱.۵ کارکردهای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در تأمین صلح و امنیت

مهم‌ترین کارکردهای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در تأمین صلح و امنیت را می‌توان به قرار ذیل برشمرد:

۱. فعالیت در زمینه گفت‌وگوی ادیان: از گفت‌وگو و تعامل به‌مثابه مؤثرترین ابزار و بلکه یگانه وسیله دستیابی به صلح و آرامش مطلوب بشری یاد می‌کنند؛ زیرا لازمه صلح را تفاهم و درک متقابل و لازمه تفاهم را نیز گفت‌وگو می‌دانند. گفت‌وگو راهی مناسب برای حل کشمکش‌ها و تنش‌های بین فردی، ملی، و بین‌المللی محسوب می‌شود. صلح، رونق، و شکوفایی در سایه افزایش تعامل با دیگران و ایجاد پل‌ها و کانال‌هایی بین تمدن‌های گوناگون برای دریافت تصاویر واقعی از یک‌دیگر میسر است. برای این منظور، گفت‌وگو امری ضروری تلقی می‌شود. زمانی می‌توانیم دنیایی امن و اخلاقی بنا کنیم که صحبت کردن و گوش فرا دادن به یک‌دیگر را بیاموزیم. همان‌طور که والینگ (Whaling) می‌گوید گفت‌وگوی واقعی یعنی این که «شما به درون پوست دیگران نفوذ کنید. به علاوه

باید بر این نکته تأکید کرد که یک نوع وابستگی اجتناب‌ناپذیر بین گروه‌های گوناگون انسانی وجود دارد و همگان در راه دستیابی به صلح مسئولیت‌های متقابل دارند (Ramirez, 2007: 66). لازمه گفت‌وگوی مثبت و سازنده حداقل دو چیز است: یکی گفت‌وگو از موضعی برابر و دیگری گفت‌وگو بدون پیش‌داوری‌های غلط ذهنی (گواهی، ۱۳۹۰: ۱). دو دلیل عمده ضرورت گفت‌وگو را برای بشر امروز مضاعف کرده است: یکی پذیرش قدرت فرهنگ‌سازی دین و دیگری کوچک شدن دنیا و فشرده شدن زمان و مکان به‌واسطه تکنولوژی ارتباطی است. این دو عامل تعامل نزدیک‌تر انسان‌ها را توجیه می‌کند. بر این اساس، اگر دین، که سرسخت‌ترین عنصر فرهنگ است، بپذیرد که قابلیت گفت‌وگو دارد، طبعاً سایر اجزای فرهنگ نیز گفت‌وگوپذیر خواهند شد. پس اولاً باید به ضرورت مقوله گفت‌وگو توجه کرد و ثانیاً به اهمیت گفت‌وگوی بین ادیان و گفت‌وگوی دینی اذعان داشت (بی‌نام، ۱۳۸۲: ۶۸). منظور از گفت‌وگوی ادیان گفت‌وگوی مؤثر و مفید است، یعنی گفت‌وگویی که به تفاهم و کشف موارد هم‌پوشی تعالیم ادیان بینجامد. موارد هم‌پوشی ادیان همان موارد، مواضع، موازین، و ضوابطی‌اند که بین ادیان مشترک‌اند. زمانی نقاط اشتراک گفت‌وگوی ادیان را کشف می‌کنیم که با سعه صدر و گفت‌وگوی مستدل و مستند پی ببریم تعالیم و دستورالعمل‌های مشترک ادیان به‌مراتب بیش از آن چیزی است که گمان می‌برده‌ایم از میزان تعارض و تکاذب آن‌ها کاسته می‌شود. کاسته شدن از موارد متوهم تعارض و تکاذب و افزایش یافتن موارد اشتراک و اتحاد عقیده و عمل راه را برای تنقیح محل نزاع می‌گشاید. در نتیجه، موضوع و متعلق بحث شفاف‌تر می‌شود و راه برای تحری حقیقت و تقرب به حقیقت هموارتر می‌شود. روش قرآن کریم در نیل به هدف یادشده، که تألیف قلوب و تلطیف فضای فرهنگی است، دعوت به توجه و عمل به معلومات و تمایلات فطری است: دعوت به توحید و تسلیم در برابر حق و تساوی مسلمان و غیرمسلمان در این جهت که اصل و قاعده فطری بر عدم ربوبیت و عدم ولایت غیرخداست. آنچه از آیه شریفه قرآن استفاده می‌شود این است که صاحبان ادیان گوناگون می‌توانند با پذیرش خطوط کلی دین در کنار یک‌دیگر با صلح و مسالمت زندگی کنند (تولیت، ۱۳۸۳: ۱۳۳).

گفت‌وگوی ادیان مسیر حل و فصل اختلافات بین ادیان را هموارتر و کوتاه‌تر می‌کند و با کاهش مناقشات بین ادیان دنیای امن‌تری برای پیروان ادیان و عموم انسان‌ها می‌سازد. ادیان مهم‌ترین عامل شکل‌گیری و تنوع فرهنگ‌ها هستند. گفت‌وگوی ادیان، به‌سبب تقدس حوزه دین، دشوارترین سطح گفت‌وگوها بین دانشمندان و عموم انسان‌هاست.

بنابراین، هنگامی که ادیان گفت‌وگو را بپذیرند و سنت گفت‌وگو بین آن‌ها نهادینه شود، راه برای گفت‌وگو در تمامی عرصه‌های فرهنگ و تمدن باز می‌شود و تعامل فکری و فرهنگی جوامع بشری امکان‌پذیرتر می‌شود. امروزه بخش بزرگی از آلام و مصائب بشری نظیر نژادکشی‌ها، قتل‌عام‌ها، و کشتارها مسائل ذاتاً سیاسی نیستند، بلکه موضوعاتی معنوی، اخلاقی، و مرتبط با حقوق بشرند. ادیان در این موارد مواضع روشنی دارند و هر گونه اقدام جنایت‌آمیز، قتل، و نژادکشی را محکوم می‌کنند (www.tahoor.com). افزایش تنش‌های فرقه‌ای راه‌حل‌های جدیدی را به‌منظور برخورد با این معضل جهانی می‌طلبد. نمونه‌ای از این راه‌حل‌ها در اعلامیه پایانی نشست انجمن افراد مشترک‌المنافع (The Commonwealth People's Forum) در سال ۲۰۰۷ در اوگاندا ارائه شد. اعلامیه مذکور از سران حکومت‌ها خواسته بود تا برنامه‌هایی را به‌منظور حمایت از تبادل بین ادیان برای دستیابی به همکاری و صلح جهانی تدارک ببینند. ادیان گوناگون آموزه‌های مهمی درباره صلح و تعامل صحیح افراد با یک‌دیگر بیان می‌کنند. بودیسم اظهار می‌دارد: همان‌گونه که یک مادر از یگانه فرزند خویش با تمام وجودش محافظت می‌کند، هر فردی نیز می‌تواند عشق نامحدود خود را به تمام موجودات ابراز کند. مسیحیت معتقد است: با دیگران همان‌گونه رفتار کن که دوست داری آن‌ها با تو رفتار کنند. اسلام می‌گوید: هیچ‌کس مؤمن حقیقی نخواهد بود، مگر این‌که برای برادرش همان چیزی را آرزو کند که برای خودش آرزو دارد. طبق آموزه‌های مذهب «جینسیم» (Jainism): من همه موجودات را می‌بخشم، بلکه همه موجودات مرا ببخشند. من به همه عشق می‌ورزم و با هیچ‌کس دشمنی ندارم. مذهب سیک (Sikhism) می‌گوید: هیچ‌کس دشمن من نیست و هیچ‌کس بیگانه محسوب نمی‌شود. من با همه در صلح و سازگاری به سر می‌برم. بنابراین، همه مذاهب بزرگ دنیا انسانیت را به‌مثابه یک اصل اساسی تعلیم می‌دهند. اگر مذهب به‌منزله بزرگ‌ترین ناجی انسانیت و ازبین‌برنده اختلاف، تفرقه، و مناقشه در نظر گرفته شود، پیروان مذاهب گوناگون خواهند توانست انرژی خود را برای حرکت به‌سوی همکاری و صلح با یک‌دیگر تجمع کنند (Duggal, 2014: 2).

امروزه در دوره فراصنعتی و پسامدرن، برخلاف تلاش‌های گسترده ماتریالیست‌های فلسفی و اجتماعی، ادیان نقش مهمی در کلیه ساحت‌های زندگی اجتماعی بشر ایفا می‌کنند و در پیروی از این ادیان و پیروانشان، رهبران دینی نیز آشکار و پنهان جایگاه مهمی در سیاست‌گذاری‌های جهانی دارند. رهبران تشیع به‌مثابه نمایندگان خردگرایی دین الهی اسلام می‌توانند با همکاری رهبران مذهبی و برجستگان دانشگاهی، اقتصادی، هنری، و سیاسی

یهودی و مسیحی جهان با تعرض به حقوق انسان‌ها و کشتار آن‌ها در سراسر جهان به‌خصوص در منطقه بحرانی خاورمیانه از سوی سیاست‌مداران آلت دست و مزدوران کارت‌های اسلحه‌سازی مقابله کنند. آن‌ها می‌توانند با رهبری و سازمان‌دهی جنبش ضد جنگ، از طریق شبکه مساجد، کلیساها، و کنیسه‌ها آن را به یک جنبش قوی اجتماعی در سطح جهانی تبدیل کنند. با توجه به فتوای رهبری درباره حرمت سلاح هسته‌ای می‌توان با همکاری رهبران و نخبگان ادیان الهی، فراخوان جهان‌گیری از سلاح‌های کشتار جمعی را به یک جنبش اجتماعی جهانی مبدل کرد (صفوی، www.peace-ipsc.org). مرکز گفت‌وگوی ادیان، به‌منزله زیرمجموعه معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، فعالیت‌های متعددی در این زمینه انجام می‌دهد که عبارت‌اند از برگزاری گفت‌وگوهای دینی دوجانبه و چندجانبه، برگزاری اجلاس‌های بین‌المللی، میزبانی هیئت‌های گوناگون دینی از سراسر جهان، انجام پژوهش‌های علمی و کاربردی در زمینه مسائل و موضوع‌های مربوط به ادیان، چاپ و انتشار فصل‌نامه دیالوگ به زبان انگلیسی و مقالات ارائه‌شده در گفت‌وگوهای دینی، راه‌اندازی سایت علمی درباره ادیان و راه‌اندازی کتاب‌خانه تخصصی ادیان به زبان فارسی و زبان‌های خارجی؛

۲. برقراری گفت‌وگو بین تمدن‌ها و فرهنگ‌ها: فرهنگ آن چیزی است که به یک گروه قومی، یک ملت، یا یک جامعه تعلق دارد. مانند سنت‌ها، اعتقادات، آداب و رسوم، اعیاد، خدایان، و اساطیر. در حالی که تمدن چیزی است که می‌تواند از فرهنگی به فرهنگ دیگر منتقل شود. مثلاً، کشت سیب‌زمینی از آمریکا به اروپا و سپس به دیگر نقاط جهان منتقل شد. درست مانند استفاده از گاوآهن که در گوشه‌ای از جهان شروع شد و در همه جا گسترش یافت. به عبارت دیگر، تمدن، فنون، صنایع، اجناس، و مواد است که می‌توان آن را انتقال داد. اگرچه واژه تمدن بیش‌تر در مفهوم فرهنگ لمس می‌شود، اما به مجموعه‌ای از ویژگی‌های متمایزی برمی‌گردد که نمی‌تواند با فرهنگ در هم آمیزد. زمانی که از گفت‌وگو بین تمدن‌ها در معنای معمول آن صحبت می‌کنیم، به روش ساده‌شده تمدن غربی یا چینی، اسلامی، مسیحی، ایرانی، آفریقایی، و ... فکر می‌کنیم. با این حال، اگر من از تمدن چینی صحبت کنم، به تائو یا کنفوسیوس فکر می‌کنم یا مثلاً تمدن اسلامی کشورها و جمعیت‌های بسیاری را در بر می‌گیرد که فرهنگ‌های متفاوتی دارند. حتی اگر اسلام در هر نقطه‌ای از دنیا بتواند گسترش یابد. مختصراً باید گفت تمدن و فرهنگ مفاهیمی مبهم و موضوعاتی متغیرند. به نظر می‌رسد اگر چه ما متفاوت‌ایم و اعتقادات و مذاهب گوناگون داریم، اما ویژگی‌های شخصیتی منحصر به فردمان نباید ما را از پرداختن به گفت‌وگو باز دارد (Morin, 2004: 1-2).

گفت‌وگوي تمدن‌ها مانند مذاكرات ديپلماتيك متضمن استفاده از ابزار گفت‌وگو به‌جاي استفاده از زور در عرصه بين‌المللي است، اما دولت‌محور نيست، بلكه تعاملات بين تمدن‌ها را نقطه عزيمت خود قرار مي‌دهد. هم‌چنين، به‌نظر مي‌رسد در بعد ديگر نيز مبتني بر برداشت ضد واقع‌گرايانه و ضد سياست صاحبان قدرت است؛ به اين معنا كه خشونت در سطح بين‌المللي را اجتناب‌ناپذير تلقي نمي‌كند. ايده گفت‌وگوي تمدن‌ها در اصل واكنشي بود در برابر نظريه ساموئل هانتينگتون (Samuel P. Huntington) درباره «برخورد تمدن‌ها» كه ساز و كاري را براي پيش‌گيري از خشونت بين تمدن‌ها بر اساس منطقي كاملاً متفاوت با منطق هانتينگتون پيش‌نهاد مي‌كرد: هيچ نيرو يا ويژگي ذاتي در تمدن‌ها وجود ندارد كه باعث شود آن‌ها ناگزير به شكلي خشونت‌آميز در برابر يك ديگر قرار بگيرند؛ آن‌ها مي‌توانند براي نيل به فهم متقابل، فائق آمدن بر تصويرسازي‌هاي كليشه‌اي، درك شباهت‌هايي كه با يك ديگر دارند و پذيرش تفاوت‌هاي خود بدون آن‌كه اين تفاوت‌ها را منبع بي‌اعتمادی يا تضاد يا حتي پديده‌اي ذاتاً منفي تلقي كنند، وارد گفت‌وگو شوند. هم‌چنين، رهيافت غيردولت‌محور به اين معناست كه در صحنه بين‌الملل كشنگران ديگري غير از دولت‌ها (مانند افراد و گروه‌هاي گوناگون) از مشروعيت برخوردارند. تمدن‌ها برخلاف دولت‌ها نمايندگان رسمي ندارند؛ بنابراین، مي‌توان در سطوح گوناگون گفت‌وگوهائي را بين افراد و گروه‌هاي گوناگون در نظر داشت. ويژگي ديگر انگاره گفت‌وگوي تمدن‌ها اين است كه فرض مي‌شود گفت‌وگو مي‌تواند به جهاني عادلانه‌تر منتهي شود و اين امر خصوصيت عدالت‌جويايه آن را نيز نشان مي‌دهد كه باز برخلاف برداشت‌هاي به‌اصطلاح واقع‌گرايانه از روابط بين‌الملل است (مشيرزاده، ۱۳۸۳: ۱۷۱). گفت‌وگوي بين فرهنگي (تمدني) مي‌تواند بين سه مقوله گفت‌وگو، فرهنگ، و صلح ارتباط برقرار كند. اگر تكامل فرهنگي معطوف به صلح است و اگر رابطه فرهنگي در راستاي صلح قرار دارد، گفت‌وگو از يك سو فرهنگ را به‌سوي تفاهمي شدن كمال مي‌بخشد و از سوي ديگر رابطه فرهنگي را به‌سوي صلح وساطت مي‌كند. بنابراین، گفت‌وگوي بين فرهنگي مكانيسمي است كه مي‌تواند از طريق تكامل فرهنگي و تعميق روابط بين فرهنگ‌ها صلح را ممكن كند. فرهنگ قلمروي اشتراكات ذهني است و گفت‌وگو فرايند قرابت يافتن اذهان و دست‌يابي به تفاهم بين اذهان بيگانه از هم است. آن‌گاه كه اين دو با هم پيوند داده شوند، امكان برقراري رابطه تفاهمي بين اشتراكات و تعلقات ذهني فراهم مي‌شود. از سوي ديگر، در پرتو قلمرو مابين قرابت، تفاهم، و فهم بين فرهنگي مي‌تواند اشتراكات و تعلقات را به سطح فرافرهنگي ارتقا دهد و در اين بين عرصه را بر عوامل بيگانه و خصومت‌برانگيز

تنگ‌تر کند. بنابراین، گفت‌وگوی بین تمدنی می‌تواند راه‌کاری برای قرابت و تفاهم بین‌فرهنگی و در نتیجه صلح بین‌المللی باشد (منوچهری، ۱۳۸۴: ۸۰-۸۳)؛

۳. تلاش برای تقریب مذاهب اسلامی: مقصود از تقریب تعامل علمی و عملی مذاهب اسلامی بر مبنای مشترکات و احترام متقابل است که با احساس اخوت و تسامحی معقول و شیوه‌ای عالمانه، برکنار از احساس نفرت و عاری از تعصبات غیرمنطقی و به دور از روشی عوامانه، به‌دست می‌آید. به تعبیر دقیق‌تر، تقریب مذاهب اسلامی به معنای ترویج فرهنگ گفت‌وگوی صحیح و سازنده بر اساس اصول و مبانی مشترک با هدف درک یک‌دیگر و دست‌یابی به رشد علمی و مذهبی است. بنابراین، مذاهب اسلامی می‌توانند ضمن پای‌بندی به مبانی و دیدگاه‌های خود در سایه تعامل منطقی و گفت‌وگوی علمی یک‌دیگر را درک کنند و به هم نزدیک شوند. اصول و مبانی تقریب را این‌گونه می‌توان ذکر کرد: پذیرش کثرت و اختلاف، اعتقاد به گفت‌وگو، تأکید بر مشترکات، و رعایت اخلاق اسلامی (بابایی آریا، ۱۳۸۶: ۱۷-۲۰). هدف از اندیشه تقریب بین مذاهب اسلامی یکی کردن همه مذاهب، روی‌گردانی از مذهبی، و روی آوردن به مذهب دیگر نیست، که این به بیراهه کشاندن اندیشه تقریب است؛ تقریب باید بر پایه بحث و پذیرش علمی باشد تا بتوان با این اسلحه علمی به نبرد با خرافات پرداخت و دانشمندان هر مذهبی در محیطی آرام در گفت‌وگوهای علمی باید دانش خود را مبادله کنند و نتیجه بگیرند (رحیمی، ۱۳۸۹: ۵). بزرگ‌ترین ثمره تقریب در عرصه نظر این است که بسیاری از سوء تفاهم‌های بین رهبران مذاهب اسلامی و نیز بین مسلمانان برطرف خواهد شد. در پرتو گفت‌وگوهای عقلانی و دور از تعصبات فرقه‌ای و مذهبی بر همگان ثابت می‌شود که بسیاری از اتهاماتی که شیعه و سنی به یک‌دیگر وارد می‌کنند توهماتی بیش نیست و موارد اشتراک به حدی است که اختلافات آن‌ها را بسیار ناچیز کرده است؛ به عبارت دیگر، در پرتو تقریب بر همه مسلمانان روشن می‌شود که اختلاف فکری مذاهب اسلامی در فرعیات دینی است و در اصول اعتقادی و کلیات دینی وحدت حاکم است. بدیهی است ثمره عملی این پیامد نظری خشکانیده شدن ریشه بسیاری از فتنه‌های مذهبی و طایفه‌ای در بین مسلمانان خواهد بود؛ زیرا منشأ اصلی این فتنه‌های کور و خانمان‌سوز جهل و تعصبات برخی از پیروان مذاهب اسلامی است که در پرتو تقریب این نگاه‌های نادرست به تدریج اصلاح و سوء تفاهم جای خود را به حسن تفاهم می‌دهد و کینه و نفرت در بین پیروان مذاهب به محبت و الفت تبدیل خواهد شد. در عصر حاضر، بر اثر تبلیغات گسترده استعمارگران و عمال آنان نظیر وهابیت، نوع تعاملات و روابطی که بین مسلمانان وجود دارد بر مبنای

حس بدبيني و نگاه تکفيري است. هرگاه تقريبات اندیشه‌های مسلمانان به یک‌ديگر تحقق يابد، اين روابط سلبي و بدبينانه جاي خود را به روابط دوستانه و سازنده خواهد داد (حسيني رودباري، www.taghribstudies.net). مجمع جهاني تقريبات مذاهب اسلامي با برگزاري سالانه کنفرانس‌هاي وحدت اسلامي از ۱۳۷۱ تاکنون، تاسيس پژوهشگاه مطالعات تقريبي و دانشگاه مذاهب اسلامي و چاپ و انتشار مجلات تقريبي (*التقريب نت*، *رسالة التقريب*، *رسالة الاسلام* و *ثقافة التقريب*) براي تقريب و وحدت امت اسلامي فرهنگ‌سازي مي‌کند.

در اين مقاله تلاش شد تا اصلي‌ترين و مهم‌ترين کارکردهاي سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامي در تأمين صلح و امنيت بررسی شود؛ کارکردهايي از جنس گفت‌وگو که در بطن خود احترام به حقوق ديگران و هم‌زيستي مسالمت‌آمیز را در بر دارد. اما در نگاهی کلان مي‌توان کارکردهاي سازمان را در اين زمينه در مفاهيمي نظير تبادل فرهنگي و اشاعه ارتباطات فرهنگي خلاصه کرد. اين مفاهيم طيف وسيع و متنوعي از برنامه‌ها و فعاليتها را در بر مي‌گيرد، هم‌چون چاپ و انتشار کتاب، ارائه محصولات هنري، اجراي برنامه‌هاي هنري مانند نمايش، موسيقي، و فيلم، برگزاري جشنواره‌ها، همایش‌ها، و نمايشگاه‌هاي فرهنگي - هنري، بهره‌گيري از رسانه‌هاي مکتوب و غيرمکتوب، انعقاد توافق‌نامه‌هاي فرهنگي و برقراري ارتباط با واسطه‌هاي فرهنگي هم‌چون نخبگان، اندیشمندان و هنرمندان. از آن‌جا که کشور ما پيشينه فرهنگي غني‌اي دارد، سازمان از پشتوانه بسيار خوبي در اين زمينه برخوردار است. بنابراين، با گسترش فعاليتهاي فرهنگي در جرياني دوسويه مي‌توان علاوه بر تقويت نقاط اشتراك به رفع سوءتفاهم‌ها، ذهنيتها، و تصاویر غلط و منفي از یک‌ديگر پرداخت که براي اين وضعيت کاهش تنش‌ها و در بلندمدت برقراري صلح و ثبات جهاني خواهد بود.

۶. نتیجه‌گيري

در مقاله حاضر نقش سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامي در تأمين صلح و امنيت بررسی و تبیین شد و به کارکردهايي هم‌چون فعاليتهاي مربوط به گفت‌وگوي ادیان و تمدن‌ها و تلاش براي تقريب مذاهب اسلامي اشاره شد. همان‌طور که در شرح آرای جی. ام. مايکل و مفاد اعلاميه کنفرانس جهاني سياست‌هاي فرهنگي يونسکو (۱۹۸۲) بيان شد، روابط فرهنگي بين‌المللي مي‌تواند امکان تفاهم و درک متقابل، همکاري بين‌المللي، جلوگيري از

خشونت و منازعه، و در نهایت صلح را به ارمغان آورد. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نیز به‌عنوان نهاد رسمی متولی فعالیت‌های فرهنگی ایران در خارج از کشور نقش اصلی را در این زمینه بر عهده دارد. سازمان مذکور با استفاده از فعالیت‌ها، عناصر و ابزار فرهنگی، و گسترش و تقویت آن‌ها می‌تواند زمینه رفع سوء تفاهم، خشونت و منازعه، و تحقق صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را در روابط بین دولت‌ها و ملت‌ها فراهم آورد.

منابع

- آقایی، سید داوود (۱۳۸۹). *سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: سرای عدالت.
- بابایی آریا، علی (۱۳۸۶). *آشنایی با تقریب مذاهب اسلامی*، سلسله کتب آموزشی ویژه عمره دانشجویی (۶)، قم: فقاقت.
- بی‌نام (۱۳۸۲). «خاستگاه خشونت دینی و عناصر مشترک ادیان، گزارشی از نشست مؤسسه گفت و گوی ادیان در هفته جهانی گفت‌وگوی بین ادیان»، *اخبار ادیان*، س ۱، ش ۴.
- بی‌نام (۱۳۹۵). «اهداف گفت‌وگوی بین ادیان الهی»، *سایت دایرةالمعارف اسلامی طهور*، <www.tahoor.com/fa/Article/view/111832>، بازیابی در ۲۰۱۵/۶/۲۲.
- تولیت، سیدعباس (۱۳۸۳). «نقش بیداری اسلامی در گفت‌وگوی ادیان و گفت‌وگوی فرهنگ‌ها»، *اندیشه انقلاب اسلامی*، ش ۱۰.
- حسینی رودباری، سیدمصطفی (۱۳۹۴). «مباحثی در زمینه تقریب مذاهب اسلامی»، *سایت پژوهشگاه مطالعات تقریبی*، <www.taghribstudies.net/index.php>، بازیابی در ۲۰۱۵/۷/۳.
- رحیمی، محمد (۱۳۸۹). «مشترکات مذاهب اسلامی در ایجاد امنیت پایدار در جهان اسلام»، *مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام*.
- سلیمی، حسین (۱۳۷۹). *فرهنگ‌گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر*، تهران: وزارت امور خارجه.
- صادقی، محمد مسعود (۱۳۸۹). «بررسی وضعیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۲؛ آسیب‌ها و چالش‌های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»، *دفتر مطالعات فرهنگی*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- صالحی امیری، سیدرضا و سعید محمدی (۱۳۸۹). *دیپلماسی فرهنگی*، تهران: ققنوس.
- صفوی، سیدسلیمان (۱۳۹۴). «دیپلماسی گفت‌وگوی ادیان»، *کارنامه دولت روحانی* - ۱۱، *سایت مرکز بین‌المللی مطالعات صلح*، <www.peace-ipsc.org/fa>، بازیابی در ۲۰۱۵/۶/۲۲.
- کریمی، غلامرضا (۱۳۹۰). «ارتباطات فرهنگی بین‌المللی و تأمین امنیت جهانی»، *فصل‌نامه سیاست*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، ش ۲.
- گواهی، عبدالرحیم (۱۳۹۰). «پیش‌نیازهای یک گفت‌وگوی سازنده»، *مقالات دو دور گفت‌وگوی دینی با کلیسای کاتولیک واتیکان*، مرکز گفت‌وگوی ادیان و تمدن‌ها.

مشيرزاده، حميرا (۱۳۸۳). «گفت‌وگوي تمدن‌ها از منظر سازه‌انگاري»، *مجله دانشكده حقوق و علوم سياسي*، ش ۶۳.

منوچهری، عباس (۱۳۸۴). «گفت‌وگوي تمدن‌ها و صلح جهاني»، *نامه فرهنگ*، ش ۵۶.
آشنائي با سازمان، سايت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامي،
<www.icro.ir/index.aspx?siteid=261&pageid=32272>، بازيابي در ۱۳/۴/۲۰۱۶.

Adams, David (2000). 'Toward a Global Movement for a Culture of Peace, Peace and Conflict', *Journal of Peace Psychology*, Vol. 6, No. 3.

Dialogue Among Civilizations-Dialogue Assumes Equality (2004). 'Interview with Edgar Morin, by Sophie Boukhari', *Canadian International Youth Letter*.

Duggal, Reema (2014). 'Trans-Faith Dialogue and World Peace: an Antidote to the Malign World of Sectarianism', *International Journal of Scientific and Research Publications*, Vol. 4, Issue 4.

Ramirez, J. Martin (2007). Peace Through Dialogue, *International Journal on World Peace*, Vol. 24, No. 1.